

آینده به آرامش رسیده و قیمت برنج در محدوده ۱۰۰ الی ۲۰۰ هزار تومان، بسته به نوع کیفیت برنج قرار گیرد.

شاید بتوان یکی از علت های این احتکار را نحوه تخصیص ارز و همچنین سیاست های قیمتی دانست، ابهامات و تغییرات بسیار در ابلاغیه ها و سیاست های قیمت گذاری از سوی جهاد کشاورزی و ستاند تنظیم بازار عاملی شده تا برخی از فعالان به علت سود نرفته ترجیح دهند برنج ها را به جای عرضه در بازار در انبارهای خود نگهداری کنند.

بررسی ها نشان می دهد که میزان تولید داخل با حجم واردات به راحتی می تواند پاسخگوی مصرف برنج در کشور باشد. اما عدم مدیریت باعث شده که برنج در میان مدت کمیاب و در نهایت گران قیمت شود. در همین راستا بهزاد محمودی، نایب رئیس شورای مرکزی مجمع ملی کشاورزی نیز گفت: در سال ۱۴۰۲ و زمانی که جنگ اوکراین مطرح بود، اعلام شد که به دلیل مشکل کمبود برنج، یک میلیون و ۸۰۰ هزار تن برنج وارد شده است؛ اما چه شد که در گیلان، گلستان و مازندران گفته شد نزدیک به ۸۰۰ هزار تن برنج سال گذشته روی دست کشاورز مانده است؟

وی ادامه داد: با این ادعا و فریادهای نماینده ها مبنی بر خراب شدن برنج کشاورزان، همه عملاً دیدیم که واردات یک میلیون و ۸۰۰ هزار تن اشتباه بوده و باید همان یک میلیون تن وارد می شده است. بحث و سوال اصلی من در این زمینه که چند بار سوال کردم این است که سال ۱۴۰۱، یک میلیون تن، اضافه وارد کردیم، سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به میزان مصرف برنج وارد کردیم؛ پس آن یک میلیون تنی که اضافه وارد شده کجاست که الان در سال ۱۴۰۴ باید بگوییم برنج نداریم؟ آن یک میلیون تن دوباره از کشور خارج شده یا اتفاق دیگری برای آن افتاده است؟

یک میلیون تن حجم کمی نیست و به راحتی در کشور گم نمی شود. از سوی دیگر اعلام شده که حدود ۸۰۰ هزار تن برنج روی دست کشاورزان باقی مانده، بررسی ها نشان می دهد که بخشی از این برنج ها از کشاورزان خریداری شده اما بخش دیگری از برنج ها همچنان در دست کشاورزان است. نکته قابل توجه اینجاست که برنج ایرانی کالای بسیار حساسی است و نسبت به سایر کالاها دچار فساد می شود، در نگهداری برنج باید دقت بسیاری داشت؛ چرا که به راحتی با تغییر دما و شرایط آب و هوایی دچار حشره زدگی می شود و در نهایت این کالا مورد استفاده نیست. این شرایط باعث شده که برخی از کشاورزان از سال گذشته زیان را تجربه کنند و به همین علت امسال احتمالاً بسیاری از کشاورزان از ترس خسارت هر چه زودتر کالاهای خود را به فروش برسانند.

اما اگر بخواهیم واقع بین باشیم، هیچ نهادی به دنبال حل مشکل نیست و هر فرد تپ را در زمین فرد دیگری می اندازد و هیچ نهادی مسئولیت کم کاری و سوء مدیریت در این بازار را گردن نمی گیرد. اگر معضل اصلی واقعاً احتکار باشد باید تا چند هفته آینده با آزادسازی دیپوها معضل قیمت برنج در بازار حل شود اما به نظر نمی رسد که دیوی برنج کاری از پیش ببرد؛ چرا که برنج یک کالای حساس است و دیوی چندماهه می تواند کیفیت این کالا را کاهش دهد یا به طور کامل این کالا را غیر قابل مصرف کند.

وظیفه اصلی جهاد کشاورزی در تولید، واردات و ذخیره سازی برنج است، اما این وزارتخانه از دوران دولت سیزدهم و سال ۱۴۰۰ به مشکل بر خورده است بازار برنج با آشفتگی و افزایش قیمت روبه روست. از سوی دیگر سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان که وظیفه نظارت دارد تا به امروز نسبت به افزایش چند برابری قیمت برنج و احتکار آن واکنش خاصی نشان نداده

تأثیرات اقتصادی بر قیمت ها و رفتار بازار چگونه بود؟

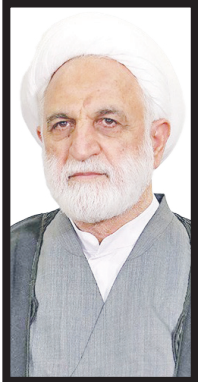
در سال های قبل تا آماده شدن برنج نو برای پخت، چند ماه ابتدای سال از برنج کهنه استفاده می شد.

❖تأثیر این وضعیت بر قیمت ها و رفتار بازار چگونه بود؟

این شرایط سبب شد بازار با افزایش قابل توجه قیمت ها و رشد تقاضا برای برنج ایرانی مواجه شود. لازم به ذکر است بزرگ ترین شرکت های فعال در حوزه برنج، هر کدام کمتر از یک درصد و مجموعاً زیر پنج درصد سهم بازار را در اختیار دارند؛ بنابراین، نسبت دادن نابسامانی های بازار به مجموعه های بزرگ یا ادعای احتکار، کاملاً بی اساس است و عمدتاً برای پوشش ضعف مدیریتی و ناکامی تصمیم گیرندگان در تنظیم به موقع بازار مطرح می شود. تمامی عرضه و معاملات این شرکت ها شفاف و با نظارت کامل انجام می شود.

❖آیا اتهام احتکار برنج از سوی شرکت های بزرگ را وارد می دانید؟

اولاً سهم شرکت های بزرگ در بازار بسیار ناچیز است و از نظر فنی نیز برنج داخلی به دلیل فسادپذیری، اساساً امکان نگهداری و احتکار طولانی ندارد. برنج کهنه ظرف مدت کوتاهی، کیفیت و قابلیت مصرف خود را از دست می دهد. چنانکه رئیس قوه قضائیه در سخنان خود بر اساس اطلاعات نادرستی که به ایشان رسیده این موضوع را مطرح کردند، اما اگر مسئولان تمایل به بررسی دقیق داشته باشند، اسناد و مدارک شفاف موجود است و میزان ذخایر هر شرکت قابل رویت خواهد بود.



رئیس قوه قضائیه:

به واسطه تحریم ها یا کم آبی ها و یا سایر علل، در برخی از اقلام، گرانی رخ دهد، اما برخی از گرانی ها، حقیقتاً غیر متعارف است؛ در قضیه گران شدن غیر متعارف برنج، من با وزیر جهاد کشاورزی صحبت کردم و موضوع برخی گزارش های واصله ناظر بر احتکار قابل توجه برنج توسط یک شرکت را مطرح کردم؛ وزیر مربوطه، به سرعت موضوع را رسیدگی کرد و اعلام داشت که همان شرکت مد نظر، مقدار معتنا بیهی از برنج ایرانی را خریداری کرده است

است. افزایش قیمت برنج از سال ۱۴۰۱ به صورت جدی در کشور رخ نداده اما مسئله اینجاست که هیچ یک از نهاده ها و ارگان های مرتبط نسبت به آن واکنش نشان نداده اند.

به وضوح می توان گفت که علت نابسامانی بازار برنج سیاست گذاری اشتباه و عدم نظارت است. چندین سال است که کشور در ماه های خاص از سال از کمبود برنج در بازار رنج می برد. برای نمونه در سال های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نیز به جای تخصیص ارز برنج به برخی کالاهای غیر اساسی تخصیص داده شد و در نهایت شاهد آن بودیم که قیمت برنج در مدت کوتاهی افزایش داشت و به محدوده ۱۰۰ هزار تومان رسید.

شاید افزایش تحریم ها یا کاهش رتبه آزادی اقتصادی کشور در این شرایط پیش آمده مقصر باشد اما در اصل عدم نظارت و تخصیص های ارز دولتی به صورت رانت زا باعث شده که در حال حاضر به هم ریختن بازار کالاهای اساسی از جمله برنج باشیم.

❖تخصیص ارز اشتباه

در سال ۱۴۰۰ با مزمه حذف ارز ترجیحی برنج، شاهد احتکار این محصول و کمیاب شدن آن در بازار بودیم. در آن زمان، وزیر اسبق یعنی ساداتی نژاد زمانی که بازار برنج با التهاب مواجه بود به جای اختصاص ارز به این بازار ارز را به چای دیش اختصاص داد که باعث شد کالاهای اساسی در بازار کمیاب یا نایاب شوند.

آذرمه سال ۱۴۰۱ یکی از مراجع نظارتی با ارسال نامه ای به ساداتی نژاد وزیر وقت جهاد کشاورزی به موضوع تسریع در تامین منابع مالی مورد نیاز شرکت های مابشر وزارت جهاد کشاورزی برای واردات و ترخیص کالاهای اساسی کشاورزی تاکید کرده بود.

طبق اعلام این دستگاه نظارتی در آذرمه ۱۴۰۱ شرکت های مابشر وزارت جهاد کشاورزی اقدام به واردات کالاهای اساسی از جمله گندم به میزان ۳۱۳۶۶۳ تن، درت به میزان ۱۷۷۱۹۵۰ تن، جو به میزان ۴۸۰۷۹۷ تن، دانه روغنی به میزان ۲۶۴۴۶۸ تن، کنجاله ۳۸۱۱۲۵ تن، شکر به میزان ۱۴۶۵۰۸ تن، برنج به میزان ۴۱۶ تن و روغن خوراکی به میزان ۳۲۴۶۳۴ تن کرده و این کالاها به دلیل عدم تخصیص ارز در بندر امام خمینی رسوب کرده بودند. این شرایط درحالی بود که وزارت جهاد کشاورزی اولویت ارز را برای چای تخصیص داده بود و ارز به شرکت های مابشر این وزارتخانه برای ترخیص کالاهای اساسی همچون برنج اختصاص پیدا نمی کرد. این موضوع باعث شده که کالاها در بندر امام خمینی رسوب کند و در نهایت این کالاهای اساسی در بازارها کمیاب و گران شوند.

به نوعی ساداتی نژاد با یک تخصیص ارز و رانت باعث شده که اقلام اساسی کشور تا مدت ها گران و کمیاب شوند. اکنون نیز شرایط این چنین است و سبب شده قیمت این کالای اساسی به صورت سرسام آوری افزایش یابد. برخی از منابع می گویند به علت کمبود در روزهایی که جنگ ۱۲ روزه به تازگی به پایان رسیده بود قیمت هر یک کیلوگرم برنج به حدود ۳۹۰ هزار تومان رسیده بود و اکنون برنج ایرانی در مناطق مختلف کشور بین ۲۸۰ الی ۳۵۰ هزار تومان به فروش می رسد که رقم بسیار بالایی است.

به نوعی ساداتی نژاد با یک تخصیص ارز و رانت باعث شده که اقلام اساسی کشور تا مدت ها گران و کمیاب شوند.

اکنون نیز شرایط این چنین است و سبب شده قیمت این کالای اساسی به صورت سرسام آوری افزایش یابد. برخی از منابع می گویند به علت کمبود در روزهایی که جنگ ۱۲ روزه به تازگی به پایان رسیده بود قیمت هر یک کیلوگرم برنج به حدود ۳۹۰ هزار تومان رسیده بود و اکنون برنج ایرانی در مناطق مختلف کشور بین ۲۸۰ الی ۳۵۰ هزار تومان به فروش می رسد که رقم بسیار بالایی است.

اقتصاد کشور در اختیار ذینفعان خاص و نهاد دولت

اولین بار نیست که در کشور با موضوعی به نام احتکار کالاهای اساسی روبه رو می شویم و سال ها ست این موضوع وجود داشته است. یکی از علت های این موضوع را می توان تحریم ها و کاهش رتبه آزادی اقتصادی کشور دانست. پیمان مولوی، کارشناس اقتصادی در گفت وگو با «هم میهن» دلایل احتکار را بررسی کرده است.

❖چرا احتکار در کشور رخ می دهد؟

اگر رتبه آزادی اقتصادی ایران را به دقت مطالعه کنید، که ۱۵۸ از ۱۶۵ است، اصلاً نباید از این اتفاقات شوکه یا متعجب شوید! ما در کنار کشورهایی مثل زیمبابوه، ونزوئلا یا آرژانتین قرار داریم. البته آرژانتین الان وضعیت آن کمی بهتر شده، اما همچنان شرایط ما شبیه به این کشورهاست.

واقعیت این است که شما با اقتصادی روبه رو هستید که تقریباً تمام حوزه هایش در اختیار ذینفعان خاص و نهاد دولت قرار دارد؛ دولتی که فقط مالیات بگیرد و قیمت گذاری کند، نه اینکه به عنوان یک نهاد کارآمد وارد سیاست گذاری صحیح شود. عملکرد دولت در ضعیف ترین حالت خود قرار دارد و محصول این وضعیت، همین نابسامانی هایی است که هر روز شاهدش هستیم؛ امروز در زمینه ی برنج، فردا درباره محدودیت واردات لوازم خانگی یا فردای دیگر ممنوعیت خودرو و لباس.

❖این رخدادها طبیعی و قابل پیش بینی است؟
اصلاً نباید تعجب کرد. همه اقتصادهای مشابه ما هم دقیقاً به همین شکل

پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۴
سال چهارم • شماره ۸۵۳
www.hammihanonline.ir

گرانی برنج در جنگ

برخی منابع از جمله تابناک در گزارش هایی تاکید کردند: در روزهایی که کشور با بحران هایی همچون جنگ و فشارهای اقتصادی دست و پنجه نرم می کرد، برخی شرکت های فعال در حوزه مواد غذایی نه تنها به ایفای نقش حمایتی نپرداختند، بلکه با استفاده فرصت طلبانه از این شرایط حساس، امنیت غذایی جامعه را با تهدیداتی جدی مواجه کردند.

در این گزارش ها طبق اظهارات منابع مطلع آورده شده: این شرکت در دوران اوج بحران اقدام به خرید برنج از کشاورزان با قیمت تقریبی ۸۵ هزار تومان به ازای هر کیلو کرد اما همین محصول را با بسته بندی برند خود، با قیمتی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان به مردم فروخت. این اختلاف چشمگیر قیمت، در حالی رخ داد که جامعه با تورم فراینده، کمبود منابع و نگرانی های جدی معیشتی روبه رو بود و سودی کلان، معادل چند هزار میلیارد تومان، نصیب این شرکت شد. چنین رفتاری نه تنها مصادق بارز احتکار و گران فروشی سازمان یافته است، بلکه نشان دهنده بی اعتنایی آشکار برخی شرکت ها به مسئولیت اجتماعی شان و به خطر انداختن امنیت غذایی است. خطر اساسی زمانی ملموس تر می شود که بخش خصوصی، در سایه سکوت نهادهای نظارتی و با حمایت های پیدا و پنهان، خود را بالاتر از قانون تصور کرده و با معیشت مردم معامله کند. تضعیف امنیت غذایی، تبعات جدی برای اعتماد عمومی و ثبات اجتماعی خواهد داشت. بازی با بازار کالاهای اساسی، در برنگاه های بحرانی، نه فقط تخلف که مصداق خیانت به جامعه است و سکوت دستگاه های نظارتی در برابر این سودجویی بی رحمانه، بحرانی تر از خود تخلف به شمار می رود.

طبق گزارش ها، حمایت آقای «ر»، یکی از چهره های نزدیک به جریان های سیاسی قدرتمند، از هلدینگ بالادستی شرکت «ط» و اطلاع کامل وزارت جهاد کشاورزی از ماجرا، نشان می دهد ابعاد این پرونده گسترده است و نیازمند ورود و واکنش جدی همه دستگاه های نظارتی می باشد. اکنون زمان آن فرا رسیده که تبلیغات و شعارهای رنگارنگ جای خود را به شفافیت عملکردی بدهد و مسئولیت پذیری شرکت ها در اولویت باشد.

با این حال محمد مختار یانی، رئیس انجمن تولیدکنندگان برنج ایران گفته همه برندهای معتبر فروشنده برنج در کشور در بهترین حالت تنها ۵ درصد بازار برنج ایران را در اختیار دارند و شرکت «ط» نیز فقط ۰/۸ از این سهم ۵ درصدی را دارد پس نمی تواند با احتکار قیمت بازار را در دست بگیرد و اصولاً با این میزان سهم از بازار انگیزه ای برای احتکار وجود ندارد و دادگاه تجدیدنظر نیز این شرکت را از اتهام احتکار تبرئه کرده است. او همچنین گفته دولت آمار تولید داخلی را ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تن برنج اعلام کرده که این آمار اشتباه است و در سال ۱۴۰۴ تولید برنج داخلی یک میلیون و ۶۰۰ هزار تن است. مختاریانی همچنین گفته ما در سال ۱۴۰۰ به ساداتی نژاد وزیر جهاد کشاورزی دولت مرحوم رئیسی هشدار داده بودیم که با ممنوع کردن واردات برنج به کشور قیمت آن به ۱۰۰ هزار تومان خواهد رسید اما او به تذکرات ما گوش نداد، و برنج گران شد. درحالی که سال بعد از ترس گرانی بیشتر قیمت برنج، یک میلیون و ۸۰۰ تن برنج وارد کشور کردند در حالی که سال ۱۴۰۱ یکی از بهترین سال های برداشت برنج ایرانی بود.

نگاه کارشناس

پیمان مولوی کارشناس اقتصادی:

اقتصاد کشور در اختیار ذینفعان خاص و نهاد دولت

عمل می کنند و این وقایع برای آن ها هم طبیعی است. مثلاً الان قیمت برنج به بالای ۳۰۰ هزار تومان رسیده؛ حالا گاهی دولت با سیاست آزادسازی یا فشار برای کاهش قیمت تلاش هایی می کند، اما تا زمانی که اقتصاد ایران از سلطه ذینفعان خلاص نشود جایگاهش در رتبه بندی آزادی اقتصادی بهبود پیدا نکند، هیچ بهبودی حاصل نخواهد شد. تنها چیزی که تکرار می شود، تجربه های مشابه در مقاطع زمانی مختلف است.

هیچ کشوری به راحتی نتوانسته آزادی اقتصادی را به دست آورد و از این دام خارج شود. این کار فوق العاده سخت است. نمونه بارزش آرژانتین است که سال ها تلاش کرده از این فضا بیرون بیاید، اما موفق نشده. دلیلش هم روشن است: ذینفعانی که تا امروز این اقتدار اقتصادی را حفظ کرده اند، به هیچ وجه حاضر نیستند به راحتی رها کنند. بنابراین اصلاحات ساختاری و خروج از این شرایط واقعاً دشوار است.

❖تحریم ها به رتبه آزادی اقتصادی کشور ارتباط دارد؟

بله، یک نکته مهم در این میان، ارتباط تحریم ها با وضعیت آزادی اقتصادی است. قبل از تحریم های سال ۱۳۹۰، رتبه آزادی اقتصادی ما حدود ۱۱۰ بود. با شروع تحریم ها، این رتبه به ۱۲۲ رسید و در ادامه با زهم افت داشت تا امروز که به ۱۵۸ رسیده ایم. این یعنی تا زمانی که تحریم ها هست، با شعار حمایت از غذا یا مواد غذایی تغییری در روند نخواهیم دید و هر روز شاهد بروز مسائل مشابه خواهیم بود. تا زمانی که ساختار ذینفعان و رتبه آزادی اقتصادی بهبود پیدا نکند، باید آماده باشیم که این اتفاقات به شکل دائم تکرار شود و تعجب آور هم نیست. برای عبور از این شرایط، نیاز به تصمیمات بزرگ و اصلاحات ریشه ای داریم.

بخش خصوصی

کاهش ۳۰ درصدی خرید گندم از کشاورزان

خرید تضمینی گندم نسبت به سال گذشته کاهش یافت. به گزارش باشگاه خبرنگاران، عطاالله هاشمی، رئیس بنیاد ملی گندمکاران گفت: براساس آمار از ابتدای فصل برداشت بیش از ۷ میلیون و ۲۷۵ هزارتن گندم با ارزش ۱۵۰ همت از کشاورزان خریداری شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۰ درصد کاهش داشته است. وی از پرداخت ۴۴ درصد مطالبات گندمکاران خبر داد و افزود: تاکنون ۶۵ همت از مطالبات کشاورزان پرداخت و مابقی مانده است. هاشمی ادامه داد: مسئولان سازمان برنامه و بودجه در هفته های اخیر وعده پرداخت ۴۰ همت از مطالبات گندمکاران را داده بودند که با پیگیری های مکرر تنها ۲۰ همت پرداخت کردند و حال از طریق انتشار اوراق قرضه به دنبال پرداخت مطالبات هستند که در ۲ تا ۳ ماه قبل باید این کار را انجام می دادند. حال امیدواریم وعده ۵۰ همت پرداخت طلب گندمکاران محقق شود.

افزایش قیمت نهاده های دامی

گرانی نهاده چالشی جدید دامداران است. به گزارش ایلنا، منصور پوریان، رئیس شورای تامین کنندگان دام با اشاره به گرانی قیمت جو و یونجه مورد نیاز دامداران، گفت: قیمت نهاده های دامی حدوداً یک ماه است که نسبتاً گران شده است. پوریان افزود: با وجود آنکه قیمت جوسال گذشته کاهش داشت؛ اما امسال شاهد افزایش قیمت بود. هر چند دولت سعی دارد که این موضوع را حل و فصل کند و قیمت نهاده های دامی مناسب شود. به گفته وی، دامداران برای نگهداری دام و تولید باید علوفه مناسب داشته باشند تا بتوانند دام های خود را تا زمان کشتار و زایش نگه دارند. پوریان با اشاره به حل این مشکل، گفت: البته در حال حاضر ثبت سفارش جو انجام شده است؛ ولی به هر حال کاهش مقطعی واردات جو تا حدودی روی قیمت آن تاثیر گذاشته است. به گفته وی، تولید دام در کشور وابسته به نهاده های دامی است و نهاده های دامی نیز اساساً وارداتی اند.

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

خبرنگاران ایرانی خوب می دانند وقتی شرایط خاصی در ایران پیش می آید، چطور ممنوعیت ها و محدودیت ها از راه می رسند و راه های درست گزارشگری را می یابند؛ حال فرق نمی کند این شرایط خاص، سقوط یک هواپما باشد یا حمله یک کشور خارجی. خبرنگارانی که در جنگ ۱۲ روزه، چه در میدان و چه در تحریریه ها و با تماس های تلفنی، شبانه روزشان را در میان صدای موشک ها و پیپاها و پدافند هوایی، محصور در وحشتی که جان همه انسان های شهرهای ایران را می لرزاند، سعی کردند آنچه را می بینند و تجربه می کنند، گزارش کنند و تا می توانند اسیر پروپاگاندای خارجی که «انسان» خاورمیانه ای برایش مهم نبود و بر طبل جنگ می کوبید، نشوند اما انقدر سدهای ممنوعیت برای حضور در محل های انفجار، در بیمارستان ها، زندان اوین، انبار نفت و... محکم بودند که لاجرم خیلی هایشان از نوشتن آنچه به واقع می گذشت، جا ماندند. در آن ۱۲ روز، خبرنگاران زیادی، با تمام توان کار کردند اما لحظات زیادی بود آنچه را می خواستند نمی توانستند به دست بیاورند، بنویسند و بعد نفس راحتی بکشند. این میان برخورد مخاطبان، خود قصه دیگری بود؛ مخاطبانی که به دو دسته تقسیم شده بودند؛ آنها که قدر تن به آتش زدن آنها را می دانستند و آنها که خبرنگاران را همدست روایت مسلط حاکمیتی و رسانه های همسو می دانستند. دسته دوم در روزهای خون و باروت، خبرنگاران و به ویژه خبرنگاران اجتماعی را متهم به «سوگنامه نویسی» کردند، به این دلیل که با خانواده ها و دوستان کشته شدگان مصاحبه می کردند تا آنها را از «عدد» دریابوند، به بهشت زهرا می رفتند تا از سوگ بازماندگان بنویسند و در گفت وگو هایی که با مسئولان داشتند، از برنامه شان برای رسیدگی به وضعیت «خانه خراب ها» می پرسیدند. خبرنگاران در روزهای آتش و ویرانی، صدای رسای مردمی بودند که در قطعی اینترنت، صدایی نداشتند و انسانی روایت کردن جنگ را آنها اگر از کلاس و دانشگاه های داخلی هم یاد نگرفته بودند، درون آگاهشان، به آنها یاد داد و نوشته هایشان که به تمامی، روایت مستند و مستقل درد آدمی بود، پاسخی روشن بود به کسانی که به آنها اتهام همکاری و همراهی با هژمونی دولتی و حاکمیتی می زدند. آنها راوی بی طرف و چشم بیدار قربانیان جنگ شدند. آنا پولیتکوفسکایا، روزنامه نگار معروف جنگ چچن روزی نوشته بود: «شجاعت واقعی آنجاست که در دل جنگ، صدای بی گناهان را به گوش دنیا برسانی، حتی وقتی که همه می خواهند آن صدا خاموش بماند.» و خبرنگاران داخل ایران در همه این سال ها و به ویژه در جنگ ۱۲ روزه و روزهای پس از آن، شجاع ترین شجاعان بودند.